

بررسی نوآوری در مقاله‌های علمی-پژوهشی مرتبط با شاهنامه

مطالعه موردی: سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۹۰

سعید امیری‌نیا *

جواد دهقانین **

چکیده

روند شاهنامه‌پژوهی از آغاز، یعنی سال ۱۲۹۴، تا پایان سال ۱۳۸۵ در چند مقاله آسیب‌شناسی شده است. این پژوهش‌ها عواملی مانند گسترش کمی مقاله‌ها، دلایل فراز و فرود شاهنامه‌پژوهی و نقاط ضعف موضوعی، محتوایی و ساختاری مقالات را بررسی کرده‌اند. مطالعات یادشده، به میزان نوآوری پژوهش‌ها در روش تحقیق، فرضیه‌ها و نتایج تازه - که از مهم‌ترین ارکان مقاله علمی است - کمتر توجه کرده‌اند. در پژوهش حاضر، به دو شاخص اساسی مقالات علمی-پژوهشی منتشرشده در فاصله سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۹۰ با موضوع شاهنامه و فردوسی پرداخته شده و نوآوری در دو رکن اصلی این مقالات، یعنی مسئله و روش تحقیق، بررسی شده است. به این منظور، ۲۱۰ مقاله علمی-پژوهشی منتشرشده در پنج‌سال پایانی دهه هشتاد، براساس معیارهای علمی در نه دسته موضوعی طبقه‌بندی و سپس براساس شاخص‌هایی، میزان نوآوری و جریان‌سازی آنها بررسی شده است. از نظر کمی، دسته موضوعی «مطالعات متنی شاهنامه»، «مقایسه تطبیقی شاهنامه با دیگر آثار» و «بررسی شخصیت‌های شاهنامه» نسبت به دیگر موضوعات بسامد بالاتری دارند. نتایج نشان می‌دهد که در مقایسه با دوره‌های قبل، از نظر کیفی، نقص‌های موضوعی و روش‌شناختی در مقاله‌های این دوره زمانی کاهش یافته و دیدگاه‌های تازه و نگرش‌های جدیدی در شاهنامه‌پژوهی پدیدار شده است. در دسته موضوعی «مطالعات متنی شاهنامه»، به دلایل مختلفی نظیر انتشار متن منقح شاهنامه، تمرکز بیشتر بر نظریات ادبی و مطالعات تطبیقی و بینامتنی، مقالاتی منتشر شده که گاه جریان‌ساز شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: مقالات شاهنامه‌پژوهی، نیمه دوم دهه هشتاد، نوآوری، جریان‌سازی.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران، Saeedamiri342@gmail.com

** دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول) mirjavad@shirazu.ac.ir



تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۳/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۵/۶

دوفصلنامه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی، سال ۳۳، شماره ۹۸، بهار و تابستان ۱۴۰۴، صص ۵۶-۸۴

An Investigation of Innovation in Scholarly Articles on the Shahnameh: A Case Study of 2007-2011

Saeed Amiriniâ*

Javâd Dehqânîân**

Abstract

The trajectory of the Shahnameh studies from its inception in 1915 until the end of 2006 has been critically evaluated in several articles. These studies have examined factors such as the quantitative growth of articles, the reasons behind the fluctuations in the Shahnameh scholarship, and the thematic, content-related, and structural weaknesses of the articles. However, these earlier analyses have paid less attention to the degree of innovation in research methods, hypotheses, and novel findings, which are among the most crucial components of a scholarly article. This study addresses two fundamental indicators of scholarly research articles on the Shahnameh and Ferdowsi published between 2007 and 2011, examining innovation in two of their main sections: the research problem and the research method. For this purpose, 210 scholarly research articles published in the last five years of the 1380s (in the Iranian calendar) were categorized into nine thematic groups based on academic criteria. Subsequently, the level of innovation and trend-setting impact of these articles was assessed based on specific indicators. Quantitatively, the thematic categories of "Textual Studies of the Shahnameh," "Comparative Analyses of the Shahnameh with Other Works," and "Analyses of Characters in the Shahnameh" have higher frequencies than other topics. The results indicate that, compared to previous periods, qualitatively, thematic and methodological shortcomings have diminished in the articles of this era, and fresh perspectives and new approaches have emerged in the Shahnameh studies. In the thematic category of "Textual Studies of the Shahnameh," due to various factors such as the publication of a critically edited version of the Shahnameh, a greater focus on literary theories, and comparative and intertextual studies, some articles have been published that have, at times, been trend-setting.

Keywords: The Šâhnâme Studies Articles, Second Half of the 1380s, Innovation, Trend-Setting.

*PhD Candidate in Persian Language and Literature, Shiraz university, Shiraz, Iran
Saeedamiri342@gmail.com

** Associate Professor in Persian Language and Literature, Shiraz University, Shiraz, Iran (Corresponding Author), mirjavad@shirazu.ac.ir

۱. مقدمه

بیش از یک دهه از پژوهش‌های مقاله‌شناختی توصیفی و انتقادی درباره شاهنامه و فردوسی می‌گذرد. مبنای کار در این پژوهش‌ها، معرفی تفصیلی، مأخذیابی و بررسی میزان اصالت مقاله‌هایی است که مشخصات اجمالی‌شان در فهرست مقالات فارسی ایرج افشار گرد آمده است. در بررسی‌های انجام‌شده بیش از ۲۴۰۰ عنوان مقاله در فاصله سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۸۵ (از آغاز تا پایان دفتر هشتم) شناسایی و معرفی شده‌اند.^۱ در پژوهش‌های یادشده موضوع، محتوا و ساختار مقاله‌ها آسیب‌شناسی شده است، اما جنبه نوآوری مقالات از نظر دور مانده است.

توجه منتقدان به نقاط ضعف و کم‌توجهی به نوآوری و فرضیه‌ها و روش‌های تازه ممکن است به دو عامل مربوط باشد: نخست، نوع تلقی جامعه علمی از نقد، و دیگری، وضعیت واقعی مقالات علمی. بسیاری از منتقدان و نویسندگان این مقالات نقد را معادل «آسیب‌شناسی» در نظر گرفته‌اند^۲ و تنها بخش «ناسره» و آسیب‌های مقالات را ارزیابی کرده‌اند. ریشه چنین امری را شاید بتوان در نوع نگرش اجتماعی به پدیده نقد جست‌وجو کرد.^۳

درعین‌حال، نباید وضعیت واقعی انتشار ژانر نوپای مقاله در ایران را نادیده گرفت. به سبب نوپایی بنیان پژوهش‌های علمی و نبودن الگوهای روشمند شاهنامه‌پژوهی در دهه‌های آغازین، مطالعات با آزمون و خطا و تکرار همراه بوده است؛ در نتیجه، سره و ناسره در کنارهم انتشار یافته و در بسیاری موارد برداشت‌های ذوقی جای دیدگاه‌های انتقادی را گرفته است.

با وجود آسیب‌های ذکرشده، نباید این واقعیت را از نظر دور داشت که تا سال ۱۳۸۵، شاهنامه‌پژوهی روندی تکاملی داشته و چهره‌ها و محققان شاخصی مانند ملک‌الشعراء بهار، محمدعلی فروغی، مجتبی مینوی، ایرج افشار، بهمن سرکاراتی، جلال خالقی‌مطلق، محمود امیدسالار، محمدجعفر یاحقی، سجاد آیدنلو و دیگران مقاله‌های علمی پراستناد و جریان‌ساز منتشر کرده‌اند و فارغ از شرایط و زمینه‌های محدودکننده، آثاری تولید کرده‌اند که زمینه‌ساز گفت‌وگوی علمی و ایجاد جریان‌ی روبه‌رشد در مطالعات شاهنامه‌پژوهی شده است.

نوآوری و خلق دستاوردهای تازه به‌منزله رکنی اساسی در تعریف پژوهش علمی، راه را بر پژوهش‌های تکراری می‌بندد و زمینه را برای توسعه دانش ادبی و رسیدن به ایده‌های تازه و افق‌های نو فراهم می‌سازد. البته، باید در نظر داشت که اصالت و نوآوری به‌معنای بدیع،

بی سابقه و ابتکاری بودن، دیگر قطعیت معنایی پیشین را ندارد و سخن تازه گفتن به معنای گفتن از چیزی که تاکنون کسی به آن نپرداخته است نیست.

از آنجاکه غایت پژوهش علمی حل مسئله، تولید دانش و بینش جدید و ایجاد گفت‌وگوی علمی است، پژوهش حاضر به بررسی جنبه‌های نوآورانه مقاله‌های علمی پژوهشی مرتبط با شاهنامه و فردوسی در فاصله سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۹۰ می‌پردازد. در پنج سال یادشده به دلایلی شاهنامه‌پژوهی گسترش بیشتری داشته است: ۱. روند روبه‌رشد انتشار مجله‌های علمی پژوهشی در این دهه و افزایش کمی و کیفی مقاله‌ها در این نشریات. ۲. گسترش زیرساخت‌های الکترونیک، استفاده از بسترهای اینترنتی (مجازی) و پایگاه‌های اطلاعاتی و دسترسی رایگان به کتاب‌ها و مقالات تمام‌متن. تحقیقات انجام‌شده در این دهه، به‌نوعی تمام پژوهش‌های پیشین را در موضوع، روش و رویکرد نمایندگی می‌کند.

۱.۱. ضرورت و اهداف پژوهش

براساس پژوهش‌های پیشین، در مقالات مرتبط با شاهنامه، نقایصی در محتوا و روش (تکرار موضوعات، ساختار ضعیف و نداشتن روش علمی) دیده می‌شود (خافی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱؛ سعادت‌فر، قوام و یاحقی، ۱۴۰۲: ۱۴۳-۱۴۴). این مطالعه اما، بیش از آنکه بر نقایص نمونه‌های پژوهش تمرکز کند، دو عنصر کلیدی مقالات پژوهشی، یعنی مسئله و روش تحقیق، را هدف خود قرار داده است و به بررسی میزان نوآوری، جریان‌سازی و تعاملات علمی مقالات موردنظر می‌پردازد و می‌کوشد چرایی و چگونگی جریان‌سازی این تحقیقات را در محدوده زمانی پژوهش بررسی کند. دست‌یافتن به این اهداف در گرو پاسخ‌دادن به پرسش‌های زیر است:

۱. بسامد و پراکندگی موضوعی مقالات در فاصله سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۰ چگونه است؟
۲. نوآوری مقالات به چه حوزه‌هایی مربوط می‌شود؟
۳. آیا نوآوری‌ها به شکل‌گیری جریانی تازه در شاهنامه‌پژوهی منجر شده است؟ کدام دسته از موضوعات جریان‌ساز، اثرگذار و کاربردی بوده‌اند؟

در پنج‌سال پایانی دهه هشتاد، ۶۴۰ مقاله مرتبط با شاهنامه در فهرست مقالات ایرج افشار (جلد ۹ و ۱۰) ثبت شده است. از میان این مقالات، داده‌های پژوهش برپایه ۲۱۰ مقاله علمی-پژوهشی استخراج شده است. هدف از این انتخاب ساختارمند و علمی بودن مقالات یادشده و تحدید جامعه آماری پژوهش بوده است. در ادامه مقالات به‌صورت موضوعی دسته‌بندی و

پراکندگی موضوعی و بسامد آنها به تفکیک سال انتشار مشخص شده و در نهایت میزان و چگونگی نوآوری آنها در دو مؤلفه «مسئله» و «روش» تحقیق تجزیه و تحلیل شده است.

۲.۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های مرتبط با شاهنامه را می‌توان در دو دسته کلی کتاب‌شناسی و مقاله‌شناسی جای داد. مقاله‌شناسی فردوسی و شاهنامه به ترتیب زمانی به شرح زیر بوده است:

- «مقاله‌شناسی توصیفی-انتقادی فردوسی و شاهنامه براساس فهرست مقالات ایرج افشار تا پایان دفتر پنجم (۱۳۷۰)» را زهرا سیدیزدی با راهنمایی محمدجعفر یاحقی نگاشته است. سیدیزدی پس از بررسی ۱۰۰۷ عنوان مقاله، آنها را از نظر موضوعی در ۲۲ دسته جای داده است. به عقیده او، با توجه به عظمت شاهنامه و اهمیت کار سراینده آن، تعداد مقالات در بعضی از این موضوعات اندک است؛ حجم مقاله‌های روشمند، علمی و نوآور به نسبت آثاری که در آنها عنوان یا محتوا تکراری است یا صرفاً انشاپردازی و نقد ذوقی و تأثیری است، چندان چشمگیر نیست (سیدیزدی، ۱۳۸۷: ۹۴۵). اولین مجلات علمی-پژوهشی کشور از سال ۱۳۷۱ منتشر شده‌اند.

- «مقاله‌شناسی توصیفی-انتقادی فردوسی و شاهنامه از ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۰» به کوشش مرضیه خافی نیز با راهنمایی محمدجعفر یاحقی نوشته شده است. در این رساله، ۱۰۹۲ عنوان مقاله بررسی شده است. مؤلف در آسیب‌شناسی مقالات دهه هفتاد به موارد متعددی پرداخته است؛ از جمله بی‌توجهی به پیشینه پژوهش‌های مرتبط با شاهنامه و فردوسی، توصیفی و سطحی بودن مقالات، ناهماهنگی عنوان با محتوا، تکرار مطالب در مقالات، غلبه نگاه تعصب‌آمیز در پاره‌ای از مقالات انتقادی، پرداختن به مطالب حاشیه‌ای و نامربوط (خافی، ۱۳۹۱: ۶۵۸-۶۷۲). نتایج این بررسی به شکل مقاله نیز منتشر شده است که مطلبی بیشتر از گفته‌های رساله دربر ندارد. تکراری بودن عناوین یا مطالب گویای نداشتن نگاه نوآورانه به موضوعات مربوط به شاهنامه و فردوسی است که در پژوهش حاضر به آن پرداخته می‌شود. گفتنی است دو رساله بالا با یکدیگر ترکیب شده و پس از اصلاح ساختاری در قالب کتابی با عنوان فهرست توصیفی-تحلیلی مقالات مربوط به فردوسی و شاهنامه از سال ۱۳۹۴ تا ۱۳۸۰ منتشر شده است.

«مقاله‌شناسی توصیفی-انتقادی فردوسی و شاهنامه از ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵» به قلم زهرا سعادت‌فر به راهنمایی ابوالقاسم قوام نگاشته شده است که ۳۲۰ مقاله را در پنج دسته موضوعی از دیدگاه کمی، محتوایی و ساختاری بررسی کرده است. به سبب تصویب و گسترش حوزه و تعداد مجلات علمی-پژوهشی در فاصله سال‌های یادشده، تعداد مقالاتی که ساختار منسجم و روشمند دارند، به نسبت دوره‌های پیشین افزایش یافته است. «ناآشنایی نویسنده با موضوع پژوهش و موضوعاتی که خالی از ایده و مطلب تازه باشند، و شباهت آثار به تحقیق توصیفی تا نوشتار پژوهشی» از جمله آسیب‌های مقالات مورد بررسی است (سعادت‌فر، ۱۳۹۸: ۲۴۵). دلیل آن نیز بی‌توجهی به پیشینه پژوهش و استفاده از مطالب تکراری دانسته شده که به خلأ نوآوری موضوعی و محتوایی مقالات انجامیده است.

حمیدرضا قربان‌پور در «سیر تحول شاهنامه‌پژوهی در ایران» محتوای کتاب‌ها و مقالات را در فاصله سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۵ بررسی کرده و به مقاله‌های علمی-پژوهشی یا میزان نوآوری محتوایی آنها توجهی نشان نداده است. فاطمه شریفی نیز در طرح پایان‌نامه ارشد خود با عنوان «سیر شاهنامه‌پژوهی در مجله ارمان» مقاله‌ها و یادداشت‌های درج‌شده درباره شاهنامه و فردوسی را با هدف شناخت دقیق محتوای آنها در ده دسته موضوعی تقسیم کرده که نتایجش تاکنون منتشر نشده است.

جواد میزبان و سیدمحمدعلی موسوی در «مقاله‌شناسی شاهنامه و ادب حماسی در مجله ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد (شماره ۱ تا ۱۷۳)» به گردآوری فهرست مقاله‌ها به ترتیب الفبایی نام خانوادگی نویسندگان بسنده کرده و هیچ‌گونه توصیف، تحلیل یا بررسی خاصی درباره موضوع یا محتوای مقالات انجام نداده‌اند.

محمد فولادی و بهنام رضانی سلطانی در مقاله همایش «تحلیل سیر نقد شاهنامه فردوسی در مجلات علمی-پژوهشی از ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰» به بررسی ۲۱ مقاله پرداخته‌اند که درباره جنبه‌های ادبی و بلاغی شعر فردوسی در بازه زمانی یادشده نوشته شده است. نتایج نشان می‌دهد که توجه به محتوای شاهنامه بیشتر از جنبه‌های بلاغی و زبانی اثر بوده و موضوعات مشابه، تکرار مباحث یا استفاده از روش تکراری در مباحث مختلف گویای خلأ نوآوری و خلاقیت مقاله‌ها است (فولادی و رضانی سلطانی، ۱۴۰۲: ۳۶۹).

۲. بحث و بررسی

۱.۲. تنوع موضوعی و بسامد مقالات

روند انتشار مقاله‌های علمی-پژوهشی درباره شاهنامه و فردوسی در فاصله سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۰ افزایشی بوده است. تبدیل شدن مقاله‌های علمی-پژوهشی به «گونه نوشتاری ویژه دانشگاه» را می‌توان یکی از دلایل انتشار روزافزون این دسته از مقالات به‌شمار آورد (فتوحی، ۱۳۹۸: ۲۳). این امر پیامد مستقیم قرار گرفتن مقالات علمی به‌منزله شاخص اصلی تولید علم در جهان است. «تولید علم دارای دو شاخص کلی است: یکی تعداد مقالات علمی و پژوهشی با دستاوردهای بین‌المللی و دیگری میزان اثربخشی مقالات جهان علم؛ یعنی شاخص کمی (تعداد) و کیفی (استناد به مقالات)» (مرادی‌مقدم، ۱۳۹۷: ۱۸). جدول شماره ۱ تعداد و درصد توزیع مقالات را به تفکیک سال نشان می‌دهد:

جدول شماره ۱. تعداد و درصد توزیع مقالات در فاصله سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۰

Table 1. Number & Percentage Distributions of Articles Between Years 2007 - 2012

درصد Percent	تعداد Number	سال Year
۱۲.۳۸ 12.38	۲۶ 26	۱۳۸۶ 1386
۱۴.۲۹ 14.29	۳۰ 30	۱۳۸۷ 1387
۲۱.۴۳ 21.43	۴۵ 45	۱۳۸۸ 1388
۲۲.۸۵ 22.85	۴۸ 48	۱۳۸۹ 1389
۲۹.۰۵ 29.05	۶۱ 61	۱۳۹۰ 1390
۱۰۰ 100	۲۱۰ 210	جمع کل Total

گرایش جامعه علمی و دانشگاهی به شاهنامه‌پژوهی به رشد کمی و کیفی مقالات این حوزه منجر شده است. پایه‌گذاری «بنیاد فردوسی» در مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی انتشار شاهنامه فردوسی ویرایش خالقی مطلق و یادداشت‌های او را به‌همراه داشت. برگزاری سالانه همایش شاهنامه‌شناسی ازسوی فرهنگ‌سرای فردوسی از سال تأسیس این نهاد در سال ۱۳۸۴ تا پایان دهه هشتاد و پس از آن، انتشار مقالات مرتبط با این حوزه را در پی داشت.

برگزاری همایش بین‌المللی «هزاره شاهنامه» در سال ۱۳۸۸ نیز نقطه عطفی در مطالعات شاهنامه‌پژوهی بود که منجر به انتشار سی عنوان مقاله در کتاب مجموعه مقالات این همایش به‌کوشش محمدجعفر یاحقی شد (خطیبی، ۱۳۸۹: ۷-۸). رشد کمی مقالات از آغاز دهه هشتاد و تداوم آن در پنج‌سال پایانی آن زمینه‌های اجتماعی دیگری نیز داشته است: ۱. الزام دانشجویان دوره‌های تحصیلات تکمیلی به چاپ مقاله‌های علمی-پژوهشی برای گرفتن مجوز دفاع از پایان‌نامه و رساله؛ ۲. تأکید بر تعداد مقاله در ارزیابی کارنامه پژوهشی استادان دانشگاه با هدف ارتقای رتبه و تبدیل وضعیت آنان. آیدنلو با انتقاد از دلایل و پیامدهای سوء چنین روندی یعنی «افزایش کمی مقالات» و «کم‌رونق شدن روش و کیفیت علمی»، راه برون‌رفت از چنین معضلی را «بررسی دقیق و فنی محتوای مقالات» می‌داند (آیدنلو، ۱۳۹۳: ۳۵-۳۶). در پژوهش‌های توصیفی-تحلیلی و مقاله‌شناسی بخشی از این بررسی‌های محتوایی انجام می‌شود که می‌تواند مبنای ارزیابی کیفی مقالات شاهنامه‌پژوهی قرار گیرد.

تنوع موضوعی مقالات در این سال‌ها و پراکندگی حوزه‌های پژوهش درباره شاهنامه و فردوسی را بر مبنای شاخص‌هایی مانند محتوا و درون‌مایه شاهنامه، روش‌شناسی پژوهش‌ها، بخش‌های سه‌گانه یا شخصیت‌های اصلی و فرعی شاهنامه، میزان تأثیر و بازتاب شاهنامه در دیگر آثار، چالش‌ها و نقدهای موجود، رویکردهای نوین نقد و نظریه ادبی می‌توان در نه دسته کلی جای داد. جدول شماره ۲ فراوانی موضوعی مقاله‌ها را به تفکیک سال نشان می‌دهد و مشروح آن در ادامه ذکر شده است.

۱. مقایسه شاهنامه با دیگر آثار (۴۱ عنوان مقاله)؛ مطالعات تطبیقی شاهنامه با دیگر آثار منظوم و منثور داخلی و بین‌المللی در این دوره پنج‌ساله موضوع پژوهش‌های پرشماری بوده است. ۲. بررسی شخصیت‌های شاهنامه (۲۹ عنوان مقاله)؛ در این دوره پنج‌ساله مقاله‌های متعددی به بررسی شخصیت‌های شاهنامه به‌ویژه با استفاده از رویکردهای نوین نقد و نظریه ادبی پرداخته‌اند.

۳. بررسی موضوعات متنی در شاهنامه (۶۶ عنوان مقاله)؛ مقالات این دسته به بررسی‌های تاریخی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حماسی، اسطوره‌ای، عناصر طبیعی و نظایر آن در شاهنامه اختصاص یافته‌اند.

۴. بررسی واژه‌ها، عبارات و ابیات شاهنامه (۲۳ عنوان مقاله)؛ یکی از موضوعات به‌نسبت پرکاربرد در مطالعه شاهنامه گره‌گشایی از دشواری‌های ابیات، عبارات و واژگان در شاهنامه است. تصحیح شاهنامه به‌همت خالقی مطلق مسیری تازه پیش روی محققان گشود تا براساس این نسخه گره از دشواری ابیات شاهنامه بگشایند.

۵. مطالعات بین‌رشته‌ای شاهنامه (۹ عنوان مقاله)؛ مطالعات بین‌رشته‌ای و مطالعه شاهنامه از منظر دیگر رشته‌ها، ادبیات و هنر (نگارگری، سینما)، روان‌شناسی و علوم اجتماعی را به‌هم پیوند زده است.

۶. بررسی ساختار داستان‌ها (۵ عنوان مقاله)؛ در تعداد انگشت‌شماری از پژوهش‌های این دوره، ساختار روایی شاهنامه و داستان‌های آن موضوع مطالعه بوده‌اند.

۷. استفاده از رویکردها و نظریه‌های نوین در بررسی ساختاری و محتوایی شاهنامه (۱۵ عنوان مقاله)؛ گرایش به استفاده از رویکردهای نقد ادبی و نظریه‌های نوین در مطالعه متن شاهنامه در این دوره چشمگیر نیست، اما نسبت به دوره‌های پیشین روندی روبه‌رشد داشته است.

۸. فردوسی، اندیشه و سبک او (۱۴ عنوان مقاله)؛ از تعداد پژوهش‌هایی که به بررسی اندیشه و سبک و زندگی فردوسی پرداخته‌اند، نسبت به دوره‌های پیشین کاسته شده است (برای مقایسه ر.ک: سیدیزدی، ۱۳۸۷: ۹۴۹؛ سعادت‌فر، قوام و یاحقی، ۱۴۰۲: ۱۵۷).

۹. نقد نقد و نسخه‌شناسی (۸ عنوان مقاله)؛ مقاله‌های علمی-پژوهشی اندکی به بررسی‌های نسخه‌شناسی و نقد آثار منتشرشده درباره شاهنامه و فردوسی اختصاص یافته‌اند.

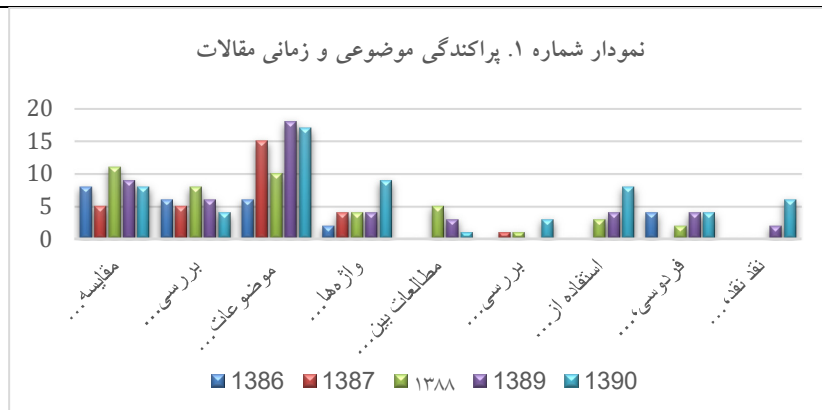
جدول ۲. فراوانی موضوعی مقاله‌ها در فاصله سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۰

Table 2. Thematic Frequency of Articles from 2007 - 2012

سال/موضوع Year / Subject	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	جمع کل Total	درصد Percent
۱. مقایسه شاهنامه با دیگر آثار Comparison of the Šāhnāme with other literary works	۸	۵	۱۱	۹	۹	۴۱	۱۹.۵۳ 19.53
۲. بررسی شخصیت‌های شاهنامه Analysis of characters in the Šāhnāme	۶	۵	۸	۶	۴	۲۹	۱۳.۸۱ 13.81
۳. موضوعات متنی در شاهنامه Textual themes in the Šāhnāme	۶	۱۵	۱۰	۱۸	۱۷	۶۶	۳۱.۴۳ 31.43

۴. واژه‌ها، عبارات و ابیات شاهنامه Words, phrases and verses of the Šāhnāme	۲	۴	۴	۴	۹	۲۳	۱۰.۹۵
۵. مطالعات بین‌رشته‌ای شاهنامه Interdisciplinary studies of the Šāhnāme	۰	۰	۵	۳	۱	۹	۴.۲۹
۶. بررسی ساختار داستان‌ها Narrative structure analysis of Šāhnāme's stories	۰	۱	۱	۰	۳	۵	۲.۳۸
۷. استفاده از رویکردها و نظریه‌های نوین Application of modern theories and approaches	۰	۰	۳	۴	۸	۱۵	۷.۱۵
۸. فردوسی، سبک و اندیشه او Ferdowsi: his style and philosophical thought	۴	۰	۲	۴	۴	۱۴	۶.۶۶
۹. نقد نقد، نسخه‌شناسی Criticism of critiques, manuscript studies	۰	۰	۰	۲	۶	۸	۳.۸۰
جمع کل Total	۲۶	۳۰	۴۴	۵۰	۶۰	۲۱۰	-
درصد توزیع Percentage distribution	۱۲.۳۸	۱۴.۲۸	۲۰.۹۶	۲۳.۸۰	۲۸.۵۸	-	۱۰۰

تحلیل نموداری جدول بالا نشان می‌دهد، سه دسته موضوعی ۱. «بررسی موضوعات متنی در شاهنامه»، ۲. «مقایسه شاهنامه و دیگر آثار» و ۳. «بررسی شخصیت‌های شاهنامه» به ترتیب بیشترین تعداد مقالات را به خود اختصاص داده‌اند؛ اگرچه در پنج سال نخست دهه هشتاد موضوعاتی مانند «زندگی‌نامه، مفاهیم و اندیشه فردوسی»، «تحلیل داستانی و اسطوره‌ای» و «مقایسه شاهنامه با دیگر آثار» بسامد بالاتری دارند (سعادت‌فر، قوام و یاحقی، ۱۴۰۲: ۱۵۸).^۴ این تغییر زاویه دید و توجه بیشتر به متن شاهنامه - که دو موضوع دیگر یعنی «مقایسه شاهنامه با دیگر آثار» و «بررسی شخصیت‌های شاهنامه» نیز در ذیل آن قرار می‌گیرد- از این لحاظ اهمیت دارد که اولاً نظریه‌های ادبی، خصوصاً نظریه‌های متن‌محور در جامعه دانشگاهی مورد توجه قرار گرفته است و ازسوی دیگر، میل جامعه علمی و دانشگاهی ایران را به هم‌گامی با پژوهش‌های جهانی نشان می‌دهد. باید توجه داشت که فهرست حاضر، تنها مقالات علمی-پژوهشی مصوب را دربردارد و بی‌تردید فراوانی، تنوع و بسامد موضوعی تمام مقالات سال‌های پایانی دهه هشتاد، شاخص‌های کمی متفاوتی را به‌نمایش می‌گذارد.



وجه غایب یا کم‌رنگ موضوعی در مقالات این سال‌ها «مطالعات ادبی» است. در پنج‌سال پایانی دهه هشتاد به موضوعاتی مانند «بررسی‌های زیبایی‌شناختی از منظر فنون و صنایع ادبی و موسیقی شاهنامه» و «تصحیح متن و گزینش و گزارش‌های انتقادی از داستان‌های شاهنامه» یا «مطالعات مربوط به ادبیات کودک و نوجوان»^۵ پرداخته نشده یا کمتر پرداخته شده است. دو موضوع نخست، محور پژوهش در دهه‌های پیشین بوده و موضوع سوم نیز در دوره‌های بعد، با گسترش گرایش‌های دانشگاهی مطالعات کودک و نوجوان و انتشار دوفصلنامه مطالعات ادبیات کودک مورد توجه قرار گرفته است. در ۲۹ شماره این دوفصلنامه یازده مقاله درباره شاهنامه فردوسی در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ منتشر شده و خلأ پژوهشی موجود را پر کرده است.

۲.۲. نوآوری در موضوع و نوجویی در رویکرد و روش

به سبب وجود رابطه بینامتنی، مقاله‌های علمی-پژوهشی این دوره پنج‌ساله با مقاله‌های پیشین پیوند موضوعی دارند و در ادامه پژوهش‌های پیشین شکل گرفته‌اند، اما کوشیده‌اند حرفی تازه داشته باشند. این حرف تازه گاه حاصل پرداختن همه‌جانبه به موضوعی است که تا پیش از این به صورت گذرا و در پژوهش‌های پراکنده اشاره‌ای به آن شده است؛ برای نمونه، «بررسی تحلیلی گونه‌های پیمان و سوگند در شاهنامه فردوسی» که در آن نویسندگان معتقدند:

با وجود اهمیت فراوان عهد و پیمان در شاهنامه فردوسی، هنوز پژوهشی مستقل در این زمینه صورت نگرفته و در پژوهش‌های گوناگون، به اشاره‌های گذرا و کوتاه بسنده شده است.

[...] در این پژوهش ضمن بررسی جایگاه عهد و پیمان در ایران باستان و بازتاب آن در شاهنامه، چگونگی سوگندهای موجود در شاهنامه نیز بررسی شده است (حسام‌پور و دهقانی، ۱۳۸۷: ۳-۲).

حرف نو این مقاله «جایگاه اسطوره‌ای و نقش مذهبی و اجتماعی» پیمان و سوگند در شاهنامه است که در سه مقاله دهه بعد به آن استناد شده است.^۶ در مقاله «هفت‌خان پهلوان (۱۳۸۸)» آیدنلو با استناد به منابع متعدد و دست‌اول، بن‌مایه کهن عبور قهرمان/پهلوان از مراحل دشوار (هفت‌خان) را در فرهنگ هند و اروپایی، ریشه‌یابی و به شواهد متعددی از منظومه‌های حماسی فارسی اشاره کرده است. این مقاله حلقه واسط پژوهش‌های پیشین («بخت و کار پهلوان در آزمون هفت‌خان») و مطالعات بعدی^۷ شده است.

نوآوری در پژوهش گاه به‌واسطه رویکردی نو و متفاوت به محتوا، شخصیت‌ها و داستان‌های شاهنامه است.

یکی از پربسامدترین موضوعاتی که در مقاله‌های این دهه به چشم می‌آید، پرداختن به «داستان سیاوش، شخصیت و مفاهیم مرتبط با او» در شاهنامه است: ۱. «سیاوش در آینه ادب فارسی تا قرن هفتم» (۱۳۸۶)؛ ۲. «تحلیل داستان سیاوش برپایه نظریات یونگ» (۱۳۸۶)؛ ۳. «سنجش شخصیت سیاوش و هلن در دو حماسه شاهنامه و ایللیاد» (۱۳۸۶)؛ ۴. «طرحی در هندسه تراژدی با تکیه بر تراژدی سیاوش» (۱۳۸۶)؛ ۵. «تحلیل روان‌شناختی شخصیت کاووس، گرسیوز و سیاوش در شاهنامه» (۱۳۸۶)؛ ۶. «شکوه سیاوش در آیین عرفان» (۱۳۸۷)؛ ۷. «سیاوش، مسیح و کیخسرو (بررسی تطبیقی)» (۱۳۸۸)؛ ۸. «بررسی تطبیقی ساختار داستان‌های شیر و گاو در کلیله و دمنه و افراسیاب و سیاوش در شاهنامه» (۱۳۸۸)؛ ۹. «تعامل نقش‌مایه‌ها و ویژگی‌های هنری مکتب نگارگری ایران با نظری بر نگاره‌های گذر سیاوش بر آتش» (۱۳۸۸)؛ ۱۰. «سیاوش شخصیتی آیینی و رازناک در شاهنامه» (۱۳۸۹)؛ ۱۱. «تحلیل مضمونی چند نمونه از نگاره‌های گذر سیاوش بر آتش» (۱۳۹۰)؛ ۱۲. «بررسی عناصر داستانی دسیسه در داستان سیاوش» (۱۳۹۰).

البته، چنین نیست که تمام مقاله‌های ذکرشده دارای نوآوری و ایده تازه باشند و از نقایصی که پیشتر گفته شد پیراسته باشند؛ چنان‌که در مقاله شماره ۱، عنوان با محتوا سازگاری چندانی ندارد و در متن مقاله تنها به ارائه شواهد شعری پیرامون سیاوش در متون

نظم و نثر فارسی تا قرن هفتم بسنده شده، بدون آنکه مباحث تحلیل شوند یا در مقدمه به مسئله پژوهش اشاره‌ای شود. توضیحات آغازین مقاله نیز تکرار گفته‌های پیشینیان است. در مقاله «شکوه سیاوش در آیینۀ عرفان» (۱۳۸۷) نیز نگارنده کوشیده تحلیلی عرفانی بر مبنای هفت وادی سلوک از داستان سیاوش ارائه دهد، اما پژوهش او بیشتر تحمیل دیدگاهی خاص به متن است: «این مقاله نگاهی متفاوت از روزنۀ عرفان به داستان سیاوش است. [...] بسیاری از داستان‌های شاهنامه صبغۀ رمزی دارند و با آنکه در دستۀ بزرگ‌ترین و زیباترین آثار حکمی-عرفانی هستند، کمتر به این جنبۀ آنها (عرفانی) توجه می‌شود» (جعفری، ۱۳۸۷: ۸۰). باید توجه داشت که چنین پژوهش‌هایی عموماً پیشینه‌یابی مستدل و تأییدکننده‌ای ندارند و همین امر از میزان نوآوری و نوجویی آن می‌کاهد.

از دیگر موضوعاتی که چند مقاله به آن اختصاص یافته، «خواب و رؤیا در شاهنامه» و «هویت ملی/ انسانی/ سیاسی» هر کدام ۴ مقاله؛ «داستان و شخصیت کیکاووس»، «هفت‌خان/خوان و تحلیل هفت‌خان/خوان‌های شاهنامه و دیگر آثار» و «دیو» هر کدام ۳ مقاله و موضوعاتی مانند «شخصیت جمشید»، «زنان»، «موبدان» و «دیو» هر کدام ۲ مقاله است. در این مقالات گاه مطالب از نظرگاهی واحد مطرح شده است، مانند «نقد اساطیری شخصیت جمشید» که در یکی تلاش شده براساس «منطق مکالمۀ اساطیر» موضوع بررسی شود و در دیگری «از منظر اوستا و شاهنامه». باید توجه داشت که شاهنامه و اوستا منبع تحقیق و مطالعه‌اند و نظرگاه و رویکرد به‌شمار نمی‌آیند.

استفاده از رویکردهای نقد و نظریۀ ادبی در متن، یکی از روش‌های فهم تازه و بازخوانی متن است که در مقاله‌های این پنج‌سال نیز از آنها بهره گرفته شده است. تقریباً ده درصد، یعنی بیست عنوان مقاله، با تکیه بر رویکردهای روان‌شناختی، اسطوره‌شناختی و زبان‌شناختی به تحلیل داستان‌ها و شخصیت‌های شاهنامه پرداخته‌اند. تحمیل نظریه بر متن، یکی از مهم‌ترین آفت‌های استفاده از رویکرد و نظریه در تحلیل متون کهن است که در مقالات این پنج‌سال نیز مشاهده می‌شود. عیسی امن‌خانی با پرداختن به مفاهیمی چون «اقتدار نظریه در پژوهش‌های ادبی معاصر» و «نقد نظریه‌زدگی» در مقاله‌هایی با همین عناوین، به این آسیب اشاره می‌کند. او با اشاره به استقبال جامعه علمی دانشگاهی از نظریه‌های ادبی و رشد تصاعدی پژوهش‌های نظریه‌محور، به ضعف‌های اساسی این مقالات اشاره می‌کند:

این مقالات ضعف‌های اساسی و متعددی دارند که اصلی‌ترین آنها عبارت‌اند از: بی‌توجهی به بسترها و پیش‌فرض‌هایی که این نظریه‌ها در آن بالیده‌اند، انتخاب نادرست نظریه‌ها (بینامتنیت به جای ساختارگرایی، بینامتنیت به جای نقد منابع، منطق مکالمه به جای تبارشناسی)، ساده‌سازی، تصادفی‌بودن ارتباط نظریه و متن، برخورد ارزش‌مدارانه و نادیده گرفتن واقعیت‌ها (امن‌خانی، ۱۳۹۵: ۱۵۵).

عیوبی که در تعدادی از مقاله‌های این دوره نیز مشاهده می‌شود. ازجمله مقاله‌هایی که در این پنج‌سال با استفاده از رویکردهای نوین سخنی تازه درباره شاهنامه مطرح کرده‌اند و استنادهای موجود به آنها نیز مؤید اثرگذاری‌شان در مطالعات بعدی است، می‌توان به این عناوین اشاره کرد: «فرآیند فردیت در شاهنامه با تکیه بر شخصیت رستم»، «تحلیل انسان‌شناختی اسطوره فرّ و کارکردهای آن در شاهنامه فردوسی و اساطیر ایران»، «ارتباط جنگ و آنارشی: نقد دو وجهی آنارشی-سلسله مراتب بر مبنای شاهنامه» و «رویکرد انتقادی به رأی باختین در باب حماسه با محوریت شاهنامه».

تکیه بر روش‌ها و رویکردهای پژوهشی نو و بهره‌گیری از ظرفیت‌های بینارشته‌ای و تطبیقی، به‌ویژه در میان نسل سوم شاهنامه‌پژوهان، راه را برای ایجاد پرسش‌ها و بررسی‌های محتوایی تازه هموار ساخته است؛ چنان‌که بررسی شخصیت‌ها و داستان‌های شاهنامه از منظر مطالعات اسطوره‌شناختی، روان‌شناختی و مطالعات اجتماعی، به خوانش‌ها و برداشت‌های تازه از این اثر منجر شده است.^۸ تمرکز بر رویکردهای نقد ادبی و استفاده از روش‌های نو در تحلیل متن، کشف جنبه‌های تازه در مطالعات شاهنامه را به‌همراه داشته و با ایجاد زمینه‌های گفت‌وگوی علمی و بحث و تبادل نظر، مسیری روبه‌رشد و روشن پیش‌روی پژوهش‌های آینده گشوده است.

۳.۲. نوآوری و جریان‌سازی

گفت‌وگوی دیالکتیکی پژوهشگران در حوزه مطالعات شاهنامه حاصل تأثیر و تأثراتی است که می‌توان ردپای آن را در پیشینه پژوهش، استنادات و منابع و ارجاع به موضوعات و رهیافت‌های پیشین جست‌وجو کرد. طرح پرسش‌ها و پیشنهادها پژوهشی یا باقی‌گذاشتن ردی از تردید در یافته‌های علمی راه را برای تبادل اندیشه و جست‌وجوهای تازه باز می‌گذارد. در مقاله «موی بر میان بستن (آیین ویژه سوگواری در شاهنامه و متون ایرانی)» (۱۳۸۷) سجاد آیدنلو در پی پاسخ‌دادن به تردیدی برمی‌آید که نویسنده مقاله «چند رسم کهن در

شاهنامه» (۱۳۷۸) مطرح کرده است. در آغاز مقاله آیدنلو این متن از نشریه نامه فرهنگستان آمده است: «این یادداشت آغاز مناسبی است برای مقاله‌های پژوهشی درباب موی بریدن که معنای آیینی عمیق‌تری دارد و امید است درباره آن تحقیقی در یکی از شماره‌های آینده نامه فرهنگستان درج شود» (آیدنلو، ۱۳۸۷: ۱۱۴). در پاسخ به این درخواست، مقاله «موی بریدن در سوگواری» (۱۳۸۷) در شماره بعدی این نشریه منتشر شد و به این جریان گفت‌وگوی علمی تداوم بخشید.

آیدنلو از پرکارترین پژوهشگران حوزه شاهنامه و نیز پنج‌سال پایانی دهه هشتاد است. او در این پنج‌سال، پانزده مقاله علمی-پژوهشی با موضوع شاهنامه و فردوسی منتشر کرده است و تعدادی از این مقالات در شمار پراستنادترین منابع شاهنامه‌پژوهی‌اند: به مطالب درج‌شده در مقاله «که آن اژدها زشت پتیاره بود» (۱۳۸۶) در شانزده مقاله، «هفت‌خان پهلوان» (۱۳۸۸) در ده مقاله، «نکته‌هایی از روایات پایان کار ضحاک» (۱۳۸۸) در پنج مقاله و «بررسی سه بیت از داستان رستم و اسفندیار» (۱۳۸۶) در چهار مقاله استناد شده است. در این استنادها اگر مقاله‌های آیدنلو را در شمار نیاوریم که در آنها به گفته‌های پیشین خود استناد کرده و حاصل آن نوعی بازنگری در اندیشه‌ها و دیدگاه‌های قبل و به‌نوعی گفت‌وگو با اندیشه خود است، باز هم جریان تازه فکری موجود در این مقاله‌ها، راهی به‌سوی پژوهش‌های نو و حرکتی روبه‌رشد در جامعه علمی-ادبی است.

نباید از نظر دور داشت که در مواردی ارجاعات ممکن است به مقدمات بحث و زمینه‌های طرح مسئله مربوط باشد و گفت‌وگوی بینامتنی به مطلب اصلی این مقاله‌ها ارتباطی نداشته باشد؛ یا مقاله‌هایی مورد استناد باشند که مطالب مندرج در آنها به گسترش مبانی نظری آثار بعدی کمک کند. در این موارد نیز حرف تازه در مقدمات بحث است که باعث افزایش استناددهی می‌شود. مقاله «تحلیل داستان کیخسرو در شاهنامه براساس روش نقد اسطوره‌ای» (۱۳۸۹) با ارجاع به دو مقاله «سیاوش، مسیح و کیخسرو (بررسی تطبیقی)» (۱۳۸۸) و «اسطوره کیخسرو در شاهنامه» (۱۳۸۷) پیوندی درون‌متنی با مباحث پیشین ایجاد کرده و خود حلقه پیوندی شده است که ۹ مقاله دیگر در مطالعات شاهنامه و حماسه‌پژوهی به این مقاله استناد کرده‌اند. «فرآیند فردیت در شاهنامه با تکیه بر شخصیت رستم» (۱۳۸۹) نیز در شمار مقاله‌هایی است که با بهره‌گیری از نقد کهن‌الگویی یونگ به

جنبه‌هایی تازه از شخصیت رستم و خوانشی دیگرگون از سفر قهرمان شاهنامه دست می‌یابد. این مقاله به «تحلیل داستان سیاوش برپایه نظریات یونگ» (۱۳۸۶) استناد کرده است و با توجه به اینکه یازده مقاله در دهه ۹۰ به آن ارجاع داده‌اند، می‌توان برای آن نقشی واسطه‌ای و پیونددهنده قائل شد.

سجاد آیدنلو (۱۳۸۷) در مقاله «فردوسی و شاهنامه در منظومه‌های پهلوانی، دینی و تاریخی پس از او (ذیلی بر سرچشمه‌های فردوسی‌شناسی)» با استناد به منابع پرشمار و در ادامه پژوهش‌های فردوسی‌شناسی، به پنج نگرش کلی درباره فردوسی و اثر او در منظومه‌هایی مانند تازیان‌نامه پارسی، حمله حیدری، علی‌نامه، همایون‌نامه، سام‌نامه، فرامرزنانه و جهانگیرنامه می‌پردازد. نوآوری این مقاله در مسئله تحقیق و کیفیت تحلیل منابع در دستیابی به اهداف اصلی آن است. این مقاله از این جهت اهمیت دارد که حلقه واسط پژوهش‌های پیشین و مطالعات بعدی است. نویسنده با بیانی تحلیلی جایگاه فردوسی و کار او را در این آثار بررسی می‌کند و با دعوت از دیگر پژوهشگران باب گفت‌وگو و تحقیق علمی و روشمند در این موضوع را باز می‌گذارد. چنان‌که غفوری (۱۳۹۶) در مقاله «دفتر دلگشا و تلمیحات شاهنامه‌ای آن» در همین مسیر گام برداشته است.

مقاله «اسکندر: از هجوم تا جذب» اثر محمود امیدسالار (۱۳۹۰)، ضمن بررسی دلایل اسکندرستیزی، به بررسی تقابل چهره اسکندر در تحقیقات شاهنامه‌پژوهان و روایات عامه می‌پردازد. پیش از این مقاله، حسام‌پور (۱۳۸۹) در «سیمای اسکندر در آیینه‌های موج‌دار» به روایات منظوم و منثور پیرامون شخصیت اسکندر در ادب فارسی اشاره کرده، اما به نقش روایات مردمی و فرهنگ عامه در شکل‌دهی تصویری قابل قبول از اسکندر نپرداخته است. در مقاله «از اسکندر گجستک تا اسکندر ذوالقرنین (ارزیابی و تحلیل آشفته‌گی منابع تاریخی اسکندر مقدونی)» تلاش شده «به ارزیابی و آسیب‌شناسی شخصیت متغیر اسکندر در پرتو منابع و روایات مورخان غربی و شرقی پرداخته شود» (فیروزمندی، رهبر و ده‌پهلوان، ۱۳۹۲: ۶۵). این مقاله که در دو بخش منتشر شده، با استناد به منابع پیش و پس از اسلام، روایات رسمی پیرامون شخصیت اسکندر را تحلیل کرده است و بدون اینکه اشاره‌ای به مقاله امیدسالار کند، تعارض و تقابل دو جامعه و فرهنگ شرق و غرب را درباره اسکندر نشان

می‌دهد. تازگی مسئله تحقیق مقاله امیدسalar به سبب دو فرضیه‌ای است که در این مقاله مطرح کرده و با استناد به منابع متعدد و تحلیل مطالب پیشین در پی اثبات آنها برآمده است. در جمع‌بندی نهایی، می‌توان گفت تعداد مقالاتی که در محتوا و مسئله پژوهش یا روش نوآوری دارند، بیست عنوان است. در دسته‌بندی نه‌گانه از موضوعات محوری درباره شاهنامه و فردوسی مقاله‌های زیر به‌عنوان نمونه آورده شده‌اند که در محتوا یا روش دارای نوآوری هستند: ۱. «بررسی تطبیقی عناصر آیینی و جنگاوری در شاهنامه و سمک عیار»؛ ۲. «کریمان کیست؟ برپایه دستنویس هفت لشکر گورانی»؛ ۳. «خویشکاری‌های موبدان در شاهنامه»؛ ۴. «جهش، واژه‌ای ناشناخته در شاهنامه؛ پیشنهادی برای تصحیح دو بیت»، «چو آدینه هر مز بهمن بود»، «بررسی چند واژه لری منطقه کهگیلویه و بویراحمد در شاهنامه فردوسی»؛ ۵. «بهمن‌دژ شاهنامه از اسطوره تا واقعیت»، «تحلیل مضمونی چند نمونه از نگاره‌های «گذر سیاوش بر آتش» در شاهنامه فردوسی»؛ ۶. «تحلیل داستان کیخسرو در شاهنامه براساس روش نقد اسطوره‌ای»؛ ۷. «تحلیل انسان‌شناختی اسطوره فر و کارکردهای آن در شاهنامه فردوسی و اساطیر ایران»، «ارتباط جنگ و آنا‌رشی: نقد دووجهی آنا‌رشی-سلسله‌مراتب برمینای شاهنامه»، «فرآیند فردیت در شاهنامه با تکیه بر شخصیت رستم»؛ ۸. «نقد روایتی از چهارمقاله درباره زندگی فردوسی»، «سرچشمه‌های «شاهنامه» و تأثیرپذیری هنری و ادبی فردوسی»؛ ۹. «شاهنامه و دیدگاه سه‌تن از شارحان».

تحقیقات میدانی شاهنامه‌پژوهی و میزان نفوذ و اثرگذاری آن در میان اقشار مختلف جامعه وجه غایب پژوهش‌های حوزه شاهنامه و فردوسی است که صرف‌نظر از تحقیقات انگشت‌شمار، در مطالعات این دوره پنج‌ساله نیز جایی ندارد. چنین بررسی‌هایی زمینه را برای پیوند دوباره اقشار مختلف جامعه اعم از دانشگاهی و غیردانشگاهی با محوریت اثری هویت‌ساز فراهم می‌آورد.

۳. نتیجه‌گیری

در فاصله پنج‌سال پایانی دهه هشتاد (۱۳۸۶-۱۳۹۰)، ۲۱۰ مقاله علمی-پژوهشی با محوریت شاهنامه و فردوسی منتشر شده است. این تعداد تقریباً دوسوم حجم تمام مقالات نیمه نخست این دهه است که مشخصاتشان در فهرست مقالات ایرج افشار درج شده است. مقاله‌ها در نه دسته موضوعی جای گرفته‌اند. «موضوعات متنی شاهنامه» (۶۶ مقاله)، «تحلیل تطبیقی

شاهنامه با دیگر آثار» (۴۱ مقاله)، «بررسی شخصیت‌های شاهنامه» (۲۹ مقاله) و «بازخوانی واژه‌ها، عبارات و ابیات شاهنامه» (۲۳ مقاله) پربسامدترین موضوعاتی بوده‌اند که مورد توجه نویسندگان در این دوره قرار گرفته‌اند. انتشار متن منقح شاهنامه، گرایش بیشتر به مطالعات تطبیقی و بینامتنی و تمرکز بر رویکردهای نوین از جمله مهم‌ترین دلایل زمینه‌ساز تنوع و بسامد مقاله‌ها در محورهای موضوعی یادشده است. شکل‌گیری قطب علمی فردوسی و شاهنامه در دانشگاه فردوسی مشهد و برگزاری نشست‌های هم‌اندیشی و همایش‌های ملی شاهنامه و زبان فارسی نیز از جمله زمینه‌های برون‌متنی است که امکان هم‌اندیشی، گفت‌وگو و تبادل نظر علمی درباره شاهنامه و فردوسی را گسترش داده است.

مقاله‌های علمی-پژوهشی این دوره پنج‌ساله هم‌چنان از آسیب‌های محتوایی و کاستی‌های روش‌شناختی و رویکردی دوره‌های پیشین دور نیستند. در فاصله این سال‌ها نیز پژوهش‌هایی منتشر شده‌اند که در آنها عنوان‌ها کلی است و تناسب چندانی با محتوا ندارد؛ به پیشینه پژوهش یا منابع دسته اول نپرداخته‌اند؛ مطالبشان تکرار گفته‌های دیگران یا توصیف بدون تحلیل یافته‌ها است؛ بنیان نظری قوی ندارند یا نظریه بر متن تحمیل شده است. آسیب‌هایی که در مقاله‌های پیش از این دوره نیز مشاهده می‌شود و زمینه‌ها و دلایل متعددی را می‌توان برایشان برشمرد. با این حال، کم نیستند مقالاتی که به موضوعات تازه پرداخته‌اند، رویکردی نو در پیش گرفته‌اند، با تکیه بر منابع اصلی به طرح مسئله تحقیق و حل آن روی آورده‌اند یا در بررسی شاهنامه به دیگر عرصه‌های علوم انسانی قدم گذاشته‌اند و گامی تازه در راه کشف شگفتی جهان شاهنامه برداشته‌اند. دو عاملی که این دسته از پژوهش‌ها را متمایز می‌کند، طرح پرسش‌ها و فرضیه‌های تازه و انتخاب روش‌های تحقیقی نوین است.

سجاد آیدنلو از پژوهشگرانی است که در این دوره یا از زوایای تازه‌ای به موضوعات پیشین پرداخته، یا فرضیه‌های تازه و پرسش‌های جدیدی مطرح کرده است. او در مقاله «سیاوش، مسیح^(ع) و کیخسرو (مقایسه‌ای تطبیقی)» برای نخستین بار به بررسی تطبیقی این سه شخصیت از منظر بن‌مایه‌های اساطیری، حماسی و عامیانه می‌پردازد و با ارجاع به منابع و یادداشت‌های پرشمار، بازتاب سیمای دو شخصیت اساطیری و حماسی ایرانی (سیاوش و کیخسرو) را در چهره شخصیتی برجسته در فرهنگ سامی (حضرت مسیح) نشان می‌دهد. آیدنلو همچنین در «نکته‌هایی از روایات پایان کار ضحاک» با تکیه بر منابع داستانی و ادبیات

عامیانه به جنبه‌هایی تازه از روایت‌های پایان کار این چهره اهریمنی و انیرانی اشاره می‌کند و پیشنهاد می‌دهد به صورت جزئی، مقایسه‌ای و تکنگارانۀ اخبار و روایات دیگر شخصیت‌های حماسی و اساطیری ایران بررسی شود. چنین پیشنهادی زمینه‌ساز گفت‌وگوی علمی و جریان‌یافتن پژوهش‌های یک‌پارچه می‌شود.

صرف‌نظر از چالش نظریه‌زدگی در تحلیل متون ادبی و شاهنامه‌پژوهی، باید اذعان کرد که موفقیت برخی از مقالات این دوره مدیون استفاده بجا و سنجیده از مبانی نظری و کاربرد روش‌شناختی نظریه‌هاست.

نوآوری در شاهنامه‌پژوهی را نمی‌توان به دسته موضوعی خاصی محدود کرد. اتخاذ رویکردهای نو، طرح پرسش‌های تازه، بهره‌گیری از منابع دست‌اول، بررسی جنبه‌های ناشناخته یا کمترشناخته‌شده موضوعات، جنبه تحلیلی مطالعات شاهنامه‌پژوهی را پربار ساخته و هرچند تعداد مقالات جریان‌ساز (۲۰ عنوان) اندک است، همین تعداد نیز با ایجاد شبکه استنادی پویا، بنیان مطالعات آینده را تقویت کرده است. نوآوری در این مفهوم به معنای قطع پیوند با گذشته نیست، بلکه نوعی گفت‌وگوی انتقادی با سنت در پرتو پرسش‌ها، فرضیه‌ها و رویکردهای تازه است.

پی‌نوشت

۱. برای مشاهده جزئیات (ر.ک: یاحقی، ۱۴۰۱: ۶). محققان کاستی‌های ساختاری و محتوایی مقاله‌ها را ذیل عنوان‌های کلی زیر دسته‌بندی کرده‌اند: «ناهماهنگی عنوان با محتوا، بی‌توجهی به پیشینه پژوهش، گرایش به توصیف و سطحی‌بودن، تکرار و تحمیل معنا به متن، ارجاع به چاپ‌های نامعتبر شاهنامه، کاربرد نامناسب زبان، عیوب ساختاری مقالات، علمی و روشمندنبودن مقاله‌های انتقادی و ناآشنایی با داستان‌ها و شخصیت‌های شاهنامه» (خافی، یاحقی، پورخالقی چترودی و تقوی، ۱۳۹۱: ۱؛ سعادت‌فر، قوام و یاحقی، ۱۴۰۲: ۱۴۳-۱۴۴).
۲. خافی و دیگران (۱۳۹۱: ۲) با تأکید بر اهمیت و ضرورت «نقد و بررسی و آسیب‌شناسی» آثار مرتبط با شاهنامه و فردوسی، نقد و آسیب‌شناسی را معادل و برابر نهاد هم آورده‌اند. این دیدگاه در مقاله سعادت‌فر و همکارانش نیز مشاهده می‌شود: «شناخت کاستی‌های ساختاری و محتوایی در برخی مقالات مرتبط با شاهنامه‌پژوهی بسیار پراهمیت است و نقد و آسیب‌شناسی چنین آثاری ضروری می‌نماید» (سعادت‌فر، قوام و یاحقی، ۱۴۰۲: ۱).

۳. رضوانیان و کیانی بارفروشی در واکاوی زمینه‌های اجتماعی ارزیابی انتقادی آثار ادبی در ایران، دلایل کم‌رنگ‌بودن دیدگاه انتقادی را در نگرش‌هایی یافته‌اند که نتیجه آن پرداختن به آسیب‌های نقد و دورماندن از

هدف اصلی آن یعنی «سازندگی، ایجاد بهبود و اصلاح‌گری» است. این نگرش‌ها عبارت‌اند از: ۱. فرهنگ «خودی/دیگری» که در آن تفاوت‌های «دیگری» به معنای نابرابری است و نتیجه آن «دریافتی سلسله‌مراتبی از تفاوت و ادراک ارزشی فراتری/فروتری و نگاهی عمودی» است. ۲. فرهنگ «قضا و قدری» رایج در ایران که سبب بی‌میلی به اصلاح اجتماعی و در نتیجه ناکارآمدی نقد بوده است. ۳. فرهنگ «قبیله‌ای» که بر مسئولیت اجتماعی و آزادی فردی و اراده انسان ایرانی اثر گذاشته و دست او را از تصرف در امور بازمی‌داشته است. ۴. تبیین‌نشدن «فرهنگ نقد» و برابری آن با عیب‌گیری و سرزنش سبب شده هدف اصلی آن، که سازندگی، بهبود و اصلاح است، نادیده گرفته شود (رضوانیان و کیانی بارفروشی، ۱۳۹۷: ۱۳۷).

۴. در مقاله زهرا سعادت‌فر ملاک دسته‌بندی و تعیین میزان فراوانی، تنوع و بسامد، تمامی مقالات منتشرشده در فاصله سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ است نه صرفاً مقالات علمی-پژوهشی. مقایسه فوق نیز تنها به‌منظور نشان‌دادن تفاوت نگرش در مطالعات شاهنامه‌پژوهی بیان شده است.

۵. «فانتزی و شیوه‌های فانتزی‌سازی شاهنامه در ادبیات کودک و نوجوان» (۱۳۸۹) تنها مقاله‌ای است که در این پنج‌سال به مطالعه تطبیقی شاهنامه و ادبیات کودک و نوجوان اختصاص یافته است. این روند در دهه نود روبه‌رشد است. در مقاله‌های زیر به این مقاله استناد شده است: «فانتزی در هفت روز هفته دارم یکی از کودکان‌های احمدرضا احمدی» (۱۳۹۱)؛ «بررسی مفهوم توانمندسازی در داستان‌های احمد اکبرپور» (۱۳۹۲)؛ «درنگی بر ظرفیت‌های فانتزی در جنیدنامه» (۱۳۹۳)؛ «بررسی عناصر شخصیت و حادثه در داستان «ولدوز و عروسک سخنگو» از صمد بهرنگی» (۱۳۹۷)؛ «شگردهای فانتزی‌سازی در داستان‌های محمدرضا شمس» (۱۳۹۷)؛ «بررسی تطبیقی سبک‌شناسی فانتزی در ادبیات کودک در زبان فارسی و انگلیسی» (۱۳۹۸)؛ «خواننده نهفته: معیاری برای انتخاب متن در بازنویسی» (۱۳۹۸).

۶. «بررسی و تحلیل سبک فکری و محتوایی سه آیین شاهنامه فردوسی با ایلید و ادیسه هومر» (۱۳۹۶)؛ «برهم‌کنش گفتاری قسم در گفتمان جامعه عمل بازار مدرن ایران با تکیه بر منظورشناسی اجتماعی» (۱۳۹۷) و «بررسی گذار از شخصیت‌پردازی رئالیستی به مدرنیستی در «دانش آکل» صادق هدایت» (۱۳۹۸).

۷. ده مقاله زیر به «هفت‌خان پهلوان» استناد جسته‌اند: «تبیین کهن‌الگوی سفر قهرمان براساس آرای یونگ و کمبل در هفت‌خوان رستم»؛ «مرزگشایی الگوی اسطوره‌ای نجات خورشید در هفت‌خان»؛ «ویرایش نهایی شاهنامه چاپ مسکو»؛ «ویرایش دوم شاهنامه به‌اهتمام جلال خالقی‌مطلق؛ شاهنامه ابوالقاسم فردوسی، پیرایش جلال خالقی‌مطلق، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۹۳، ج ۲»؛ «یکی از ژرف‌ساخت‌های آزمون همسرگزینی در حماسه ملی و بن‌مایه برون‌همسری»؛ «بازخوانی سفر قهرمان در داستان هفت‌خوان رستم و معلقه عنتره‌بن‌شداد عیسی»؛ «تأثیر تصوف در منظومه‌های عاشقانه»؛ «هفت قلعه؛ حماسه شیعی ناشناخته‌ای از قرن پنجم هجری»؛ «بررسی کارکرد دیو در منظومه‌های پهلوانی پس از شاهنامه» و «بررسی ساختاری خان و هفت‌خان در شاهنامه و اسطوره‌ها و حماسه‌های دیگر».

۸. در دانشگاه فردوسی مشهد به عنوان قطب شاهنامه‌پژوهی به تلفیق نظریه‌های ادبی در مطالعات شاهنامه توجه شده و دست‌آورد آن سلسله‌مقالات پراستنادی است که با محوریت نقد اسطوره‌ای و تحلیل‌های

انسان‌شناختی در این پنج‌سال به خوانش‌هایی نو از محتوای شاهنامه منجر شده است: «تحلیل نقش نمادین اسطوره آب و نموده‌های آن در شاهنامه فردوسی براساس نقد اسطوره‌ای»، «تحلیل نمادینگی عناصر خاک و باد در اساطیر ایران و شاهنامه فردوسی براساس نقد اسطوره‌ای»، «تحلیل داستان کیخسرو در شاهنامه براساس روش نقد اسطوره‌ای»، «نقد اساطیری شخصیت جمشید از منظر اوستا و شاهنامه»، «تحلیل انسان‌شناختی اسطوره فر و کارکردهای آن در شاهنامه فردوسی و اساطیر ایران»، «تفسیر انسان‌شناختی اسطوره اژدها و بن‌مایه تکرارشونده اژدهاکشی در اساطیر»، «تحلیل نمادینگی آتش در اساطیر ایران بر مبنای نظریه همترازی و رویکرد نقد اسطوره‌ای با تمرکز بر اساطیر ایران و شاهنامه فردوسی».

منابع

- آیدنلو، سجاد (۱۳۸۷). موی بر میان بستن (آیین ویژه سوگواری در شاهنامه و متون ایرانی). *نامه فرهنگستان*. ۱۰ (۳): ۱۱۴-۱۱۷.
- آیدنلو، سجاد (۱۳۸۸). سیاوش، مسیح (ع) و کیخسرو (مقایسه‌ای تطبیقی). *پژوهش‌های ادبی*. سال ششم. شماره ۲۳: ۴۴-۹.
- آیدنلو، سجاد (۱۳۹۳). دو پیشنهاد به وزارت علوم درباره مقالات علمی-پژوهشی (مورد مثال: رشته زبان و ادبیات فارسی). *آینه پژوهش*. ۲۵ (پیاپی ۱۴۹ و ۱۵۰): ۳۵-۳۸.
- اسماعیل‌پور، ابوالقاسم (۱۳۸۹). اسطوره کیخسرو در شاهنامه. *بخارا*. شماره ۷۶: ۵۷-۷۳.
- افشار، ایرج (۱۳۹۱). *فهرست مقالات فارسی در زمینه تحقیقات ایرانی*. جلد نهم: مجله‌ها و نشریه‌ها: ۱۳۸۶-۱۳۸۷. به‌کوشش ایران‌ناز کاشیان. تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- افشار، ایرج (۱۳۹۳). *فهرست مقالات فارسی در زمینه تحقیقات ایرانی*. جلد دهم: مجله‌ها و نشریه‌ها: ۱۳۸۸-۱۳۹۰. به‌کوشش ایران‌ناز کاشیان. تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- اقبال، ابراهیم؛ قمری گیوی، حسین؛ مرادی، سکینه (۱۳۸۶). تحلیل داستان سیاوش بر پایه نظریات یونگ. *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*. شماره ۸: ۸۵-۶۹.
- امن‌خانی، عیسی (۱۳۹۵). نقد نظریه‌زدگی: کاربست نادرست نظریه‌ها با تأکید بر مقالات مربوط به آراء باختین. *پژوهش زبان و ادب فارسی*. شماره ۴۰: ۱۵۵-۱۸۵.
- امیدسالار، محمود (۱۳۹۰). اسکندر: از هجوم تا جذب. *جستارهای ادبی*. شماره ۱۷۴: ۳۹-۶۳.
- امین، احمد؛ مددی، غلامحسین (۱۳۸۶). تحلیل روان‌شناختی شخصیت کاوس، گرسیوز و سیاوش در شاهنامه. *متن‌پژوهی ادبی*. شماره ۳۴: ۳۳-۷.
- بازرگان، محمدنوید (۱۳۸۶). طرحی در هندسه تراژدی با تکیه بر تراژدی سیاوش در شاهنامه فردوسی. *ادبیات حماسی*. شماره ۵: ۳۹-۵۰.

تسلیمی، علی (۱۳۸۹). فرایند فردیت در شاهنامه با تکیه بر شخصیت رستم. *ادب پژوهی*. شماره ۱۴: ۴۸-۲۹.

جعفری، ناهید (۱۳۸۷). شکوه سیاوش در آیینۀ عرفان. *ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی*. شماره ۱۰: ۱۰۰-۷۹.

حسام‌پور، سعید (۱۳۸۸). بررسی تطبیقی ساختار داستان‌های شیر و گاو در کلیله و دمنه و افراسیاب و سیاوش در شاهنامه. *بوستان ادب*. دوره اول. شماره ۱ (۵۵/۱): ۸۹-۷۳.

حسام‌پور، سعید (۱۳۸۹). سیمای اسکندر در آیینۀ‌های موج‌دار. *متن‌شناسی ادب فارسی*. دوره چهل و ششم. شماره ۶: ۸۲-۶۱.

حسام‌پور، سعید؛ دهقانی، ناهید (۱۳۸۷). بررسی تحلیلی گونه‌های پیمان و سوگند در شاهنامه فردوسی. *پژوهشنامه ادبیات غنایی*. شماره ۶ (۱۱): ۶۶-۳۷.

خافی، مرضیه (۱۳۹۱). مقاله‌شناسی توصیفی-انتقادی فردوسی و شاهنامه از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۰. رسالۀ دکتری. استاد راهنما: محمدجعفر یاحقی. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

خافی، مرضیه و همکاران (۱۳۹۱). آسیب‌شناسی مقالات حوزه فردوسی و شاهنامه در دهۀ هفتاد. *جستارهای ادبی*. شماره ۱۷۷: ۲۴-۱.

خطیبی، ابوالفضل (۱۳۸۹). سرمقاله: هزارۀ نظم شاهنامه. *نامه فرهنگستان*. سال یازدهم. شماره ۳ (پیاپی ۴۳): ۹-۲.

دزفولیان، کاظم؛ بالو، فرزاد (۱۳۸۹). رویکردی انتقادی به رأی باختین درباب حماسه با محوریت شاهنامه فردوسی. *پژوهش زبان و ادب فارسی*. شماره ۱۹: ۱۵۶-۱۲۵.

رشیدی، صادق؛ عظیمی‌فرد، فاطمه (۱۴۰۲). از اقتباس تا بینامتنیت: بررسی مفهوم اقتباس از چشم‌انداز نظریۀ بینامتنیت و چند اصطلاح کلیدی. *پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی*. شماره ۵ (۱۰): ۲۳۶-۱۹۹.

رضوانیان، قدسیه؛ کیانی بارفروشی، هاله (۱۳۹۷). نقد و تحلیل ماهیت علمی پژوهش‌های ادبی براساس ارزیابی انتقادی کتاب‌های روش تحقیق در ادبیات فارسی. *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. شماره ۱۸ (۲): ۱۴۰-۱۱۳.

زاویه، سعید؛ داداشی، ایرج؛ مافی‌تبار، آمنه (۱۳۸۹). تحلیل مضمونی چند نمونه از «نگاره‌های گذر سیاوش بر آتش» در شاهنامه فردوسی. *ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی*. سال ششم. شماره ۲۱: ۱۲۲-۹۳.

سعادت‌فر، زهرا (۱۳۹۸). مقاله‌شناسی توصیفی-انتقادی فردوسی و شاهنامه از ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵. رسالۀ دکتری. استاد راهنما: ابوالقاسم قوام. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

سعادت‌فر، زهرا؛ قوام، ابوالقاسم و یاحقی، محمدجعفر (۱۴۰۲). آسیب‌شناسی مقالات عرصه فردوسی و شاهنامه در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵. *پژوهشنامه/دب حماسی*. شماره ۱۹(۱). پیاپی ۳۵: ۱۷۲-۱۴۳. سیدیزدی، زهرا (۱۳۸۷). مقاله‌شناسی توصیفی-انتقادی فردوسی و شاهنامه براساس فهرست مقالات ایرج افشار تا پایان دفتر پنجم (۱۳۷۰). رساله دکتری. استاد راهنما: ابوالقاسم قوام. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

شریفی، فاطمه (۱۴۰۳). سیر شاهنامه‌پژوهی در مجله ارمان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. استاد راهنما: نفیسه رئیسی. یزد: دانشگاه یزد.

شکیبی ممتاز، نسرين (۱۳۸۶). سیاوش در آینه ادب فارسی (تا قرن هفتم). *ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی*. شماره ۶: ۱۰۳-۱۲۴.

غفوری، رضا (۱۳۹۶). «دفتر دلگشا» و تلمیحات شاهنامه‌ای آن. *کاوش‌نامه*. سال هجدهم. شماره ۳۴: ۳۶-۳۹. فاضلی، فیروز؛ کنعانی، ابراهیم (۱۳۸۹). سیاوش، شخصیتی آیینی و رازناک در شاهنامه. *پژوهشنامه زبان و ادب فارسی (گوهر گویا)*. سال چهارم. شماره ۱ (۱۳): ۸۹۳-۱۰۸.

فتوحی، محمود (۱۳۹۸). *آیین نگارش مقاله علمی پژوهشی*. ویراست سوم. تهران: سخن. فولادی، محمد؛ رضانی سلطانی، بهنام (۱۴۰۲). تحلیل سیر نقد شاهنامه فردوسی در مجلات علمی پژوهشی از ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰. سیزدهمین همایش ملی متن پژوهی/دبی. تیرماه ۱۴۰۲: ۳۵۱-۳۷۱.

فیروزمندی شیرجینی، بهمن؛ رهبر، مهدی؛ دهپهلوان، مصطفی (۱۳۹۲). از اسکندر گجستک تا اسکندر ذوالقرنین (ارزیابی و تحلیل آشفته‌گی منابع تاریخی اسکندر مقدونی) بخش دوم. *پژوهش‌های ایران‌شناسی*. ۳ (۱): ۶۵-۸۴.

قاسمی، محمد (۱۳۹۶). ضرورت توجه به پیشینه تحقیق در پژوهش‌ها. *رشد آموزش زبان و ادب فارسی*. شماره ۱۲۲: ۱۵-۱۴.

قربان‌پور، حمیدرضا (۱۳۹۳). بررسی سیر تحول شاهنامه‌پژوهی در ایران از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۵. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. استاد راهنما: مهدی محبتی. زنجان: دانشگاه زنجان.

قوام، عبدالعلی؛ فاطمی‌نژاد، سید احمد (۱۳۸۸). ارتباط جنگ و آنارشی؛ نقد دووجهی آنارشی-سلسله‌مراتب بر مبنای شاهنامه. *پژوهشنامه علوم سیاسی*. سال چهارم. شماره ۲: ۱۵۹-۱۹۳. مافی‌تبار، آمنه (۱۳۸۸). تعامل نقش‌مایه‌ها و ویژگی‌های هنری مکاتب نگارگری ایرانی با نظری به نگاره‌های «گذر سیاوش از آتش». *مطالعات هنر اسلامی*. شماره ۱۰: ۱۲۱-۱۳۶.

مرادی کوچی، سکینه (۱۳۹۰). بررسی عنصر داستانی دسیسه در داستان سیاوش. *پژوهش زبان و ادب فارسی*. شماره ۲۲: ۱-۱۸.

مرادی مقدم، حسین (۱۳۹۷). بررسی وضعیت تولید علم ایران در نمایه استنادی علوم پس از انقلاب اسلامی (۱۹۸۰ - ۲۰۱۶) و عملکرد آن در عرصه جهانی. *علم‌سنجی*. دوره چهارم. شماره ۱ (پیاپی ۷): ۱۷-۳۶.

میزبان، جواد؛ موسوی، سید محمدعلی (۱۳۹۰). مقاله‌شناسی شاهنامه و ادب حماسی در مجله ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد (شماره‌های ۱ تا ۱۷۳). *جستارهای ادبی*. شماره ۱۷۴: ۲۲۳-۲۲۸.

نریمانی، اسفندیار (۱۳۸۶). سنجش شخصیت سیاوش و هلم در دو حماسه شاهنامه و ایللیاد. *متن‌پژوهی ادبی*. شماره ۳۳: ۱۲۹-۱۴۸.

یاحقی، محمدجعفر (۱۴۰۱). دو کلمه هم در آغاز. در: *فهرست توصیفی-تحلیلی مقالات مربوط به فردوسی و شاهنامه از سال ۱۲۹۴ تا ۱۳۸۰*. پدیدآورندگان: زهرا سیدیزدی و مرضیه خافی. با نظارت محمدجعفر یاحقی. مشهد: دانشگاه مشهد.

References in Persian

- Âydanloo, Sajjâd (2009). Tying a hair on the waist: A specific mourning ritual in Šâhnâme and Iranian texts. (Muy bar miyân bastan: Âyin-e vižeye sugvari dar Šâhnâme va motoon-e Irâni. *Nâme-ye Farhangestân*. Vol. 10, No. 3: 114-117. [In Persian]
- Âydanloo, Sajjâd (2010). Siavaš, Jesus Christ and Keikhosrow (A Comparative Study). *Literary Research*. Year 6, No. 23: 9-44. [In Persian]
- Âydanloo, Sajjâd (2014). Two proposals to the ministry of science regarding scholarly articles (Example case: field of Persian Language and Literature)]. *Âineye Pažouheš*. Vol. 25, No. 149 & 150: 35-38. [In Persian]
- Afšâr, Iraj (2012). *Index of persian articles in the field of Iranian studies*. volume 9: journals and periodicals: 2007-2008. Ed. Irân-Nâz Kâšîân. Tehran: Center for the great Islamic encyclopedia. [In Persian]
- Afšâr, Iraj (2014). *Index of Persian articles in the field of Iranian studies*. volume 10: journals and periodicals: 2009-2011]. Ed. Irân-Nâz Kâšîân. Tehran: Center for the great Islamic encyclopedia. [In Persian]

- Aman-Xâni, 'Isâ (2016). Criticizing Misapplication of Theories: The role of misapplication of theories in creating false awareness. *Research in Persian Language and Literature*. No. 40: 155–185. [In Persian]
- Amin, Ahmad; Madadi, Qlâm Hossein. (2007). Psychoanalysis of the personalities of Kay Kâvus, Garsivaz and inferiority complex of Siyâvaš in Šâhnâme. *Litrrary Text Research*. No. 34: 7–33. [In Persian]
- Bâzargân, Mohammad-Navid (2007). A pattern in the geometry of tragedy with reference to the tragedy of Siavaš in Šahnameh. *Epic Literature*. No. 5: 39–50. [In Persian]
- Dezfulyân, Kâzem; Bâlu, Farzâd (2010). A critical approach to compatibility of Bakhtin's view with an epic work like Šâhnâme. *Research in Persian Language and Literature*. No. 19: 125–156. [In Persian]
- Eqbâli, Ebrâhim; Qamari Givi, Hossein; Morâdi, Sakine (2007). The analysis of Siyavaš's story based on Yung's theories. *Research in Persian Language and Literature*. No. 8: 69–85. [In Persian]
- Esmâ'ilpur, Abolqâsem (2010). The myth of Kay Khosrow in Šâhnâme. *Boxârâ*. No. 76: 57–73. [In Persian]
- Fâzeli, Firus; Kan'âni, Ebrâhim (2010). Siyavaš, a ritual and mysterious character in Šahnameh. *Research in Persian Language and Literature (Gohar-e Guyâ)*. Year. 4, No. 1 (13): 93–108. [In Persian]
- Firuzmandi Širejini, Bahman; Rahbar, Mahdi; Dahpahlavân, Mostafâ (2013). From Alexander the cursed to Alexander Dhu'l-Qarnayn assessment of disorderds in historical sources about Alexander the king of Macedonia part II. *Iranian Studies*. No. 3(1): 65-84. [in Persian]
- Fotuhi, Mahmud. (2019). The art of writing scholarly articles. (Âyin-e negâreš-e maqâleye elmi-pajouheši). 3rd ed. Tehran: Soxan. [In Persian]
- Fulâdi, Mohammad; Ramezâni Soltâni, Behnam. (2023). Analysis of the trend of critique on Ferdowsi's Šâhnâme in scientific-research journals from 2011 to 2021. (Tahlil-e seyr-e naqd-e Šâhnâme Ferdowsi dar majallât-e elmi-pajouheši az 1390 tâ 1400). *Thirteenth National Conference on Literary Text Research, July 2023*: 351-371. [in Persian]
- Hessâmpur, Sa'id. (2009). A comparative study of the structure of the stories of "the Lion and the Ox" in Kalila and Demna and Afrasiab and

- Siyavaš in Ferdowsi's Šāhnāme. *Poetry Studies (Boostan Adab)*. Vol. 1, No. 1: 73-89. [In Persian]
- Hessâmpur, Sa'id. (2010). Alexander's mien in wavy mirrors. (Simâ-ye Eskandar dar âine-hâye movj-dâr). *Textual Criticism of Persian Literature*. Vol. 46, No. 6: 61-82. [In Persian]
- Hessâmpur, Sa'id; Dehqâni, Nâhid. (2008). Analytical study of different vows and pledges in Šāhnâma-e- Firdousi. *Research in Lyric Literature*. No. 6 (11): 37-66. [In Persian]
- Ja'fari, Nâhid. (2008). The glory of Siyavaš in the mirror of mysticism. (Šokuh-e Siyâvoš dar âyineye erfân). *Mytho-Mystic Literature*. No. 10: 79-100. [In Persian]
- Mâfi-Tabbâr, Âmene. (2009). The interaction of motifs and artistic features of Iranian painting schools with a look at the paintings of 'Siyavaš's passage through fire'. (Ta'âmol-e naqš-mâye-hâ va vižegihâye honariye makâteb-e negârgeriye Irâni bâ nazari be negâre-hâye 'gozar-e Siyâvoš az âtaš'). *Scientific Quarterly Islamic Art*. No. 10: 121-136. [In Persian]
- Mizbân, Jawâd; Musavi, Seyyed Mohammad-'Ali. (2011). The Bibliography of Šāhnāme and epic literature in journal of letters and humanities of Ferdowsi University (Vol. 1 to 173). *New Literary Studies*. No. 174: 223-228. [In Persian]
- Morâdi Kuče, Sakine. (2011). A Study of intrigue as a narrative element in the Story of Siyavaš. *Research in Persian Language and Literature*. No. 22: 1-18. [In Persian]
- Morâdi-Moqaddam, Hossein. (2018). Studying the status of scientific production of Iran in science citation index after the Islamic Revolution (1980-2016) and its global performance. *Scientometrics Research Journal*. Vol. 4, No. 1 (7): 17-36. [In Persian]
- Narimâni, Esfandiâr. (2007). The summary of the Comparison between the story of Siyavoš in Šāhnāme and the Epic of Iliad and the story of Helen. *Literary Text Research*. No. 33: 129-148. [In Persian]
- Omid-sâlâr, Mahmud. (2011). Alexander: From invasion to absorption. (Eskandar: az hojum tâ jazb). *New Literary Studies*. No. 174: 39-63. [In Persian]

- Qafari, Rezâ. (2017). Delgošâ and its Šâhnâme-based allusions. ('Daftar-e Delgošâ' va talmihât-e Šâhnâme-'iye ân). *Journal of Kâvošnâme in Persian Language and Literature*. Year 18, No. 34: 9–36. [In Persian]
- Qâsemi, Mohammad. (2017). The necessity of paying attention to research background in studies. (Zarurat-e tadvajoh be pišineye tahqiq dar pajouheš-hâ). *Rošd-e Âmuzeš-e Zabân va Adab-e Fârsi*. No. 122: 14–15. [In Persian]
- Qavâm, Abdol'Ali; Fâtemi-Nejâd, Seyyed Ahmad. (2009). Anarchy-War Relationship? A dichotomous criticism of anarchy/hierarchy based on Šâhnâme. *Research Letter of Political Science*. Year 4, No. 2: 159–193. [In Persian]
- Qorbânpur, Hamid-Rezâ. (2014). An investigation into research on Šâhnâme from 1978 to 2006. MA Thesis. Supervisor: Mahdi Mahbati. Zanzan: Zanzan University. [In Persian]
- Râšidi, Sâdeq; 'Azimi-Fard, Fâteme. (2023). From adaptation to intertextuality: Examining the concept of adaptation from the perspective of intertextuality theory and some key terms. *Literary Interdisciplinary Research*. No. 5 (10): 199–236. [In Persian]
- Rezvâniyân, Qodsiye; Kiâni Bârfuruši, Hâle. (2018). A critique and analysis of the scientific nature of literary researches: Evaluating methodology textbooks in Persian literature. *Critical Studies in Texts and Programs of Human Sciences*. Vol. 18, No. 2: 113–140. [In Persian]
- Sa'âdatifar, Zahra. (2019). Descriptive-critical article identification of Ferdowsi and Šâhnâme between 1380 and 1385. PhD Dissertation. Supervisor: Abolqâsem Qavâm. Mašhad: University of Ferdowsi. [In Persian]
- Sa'âdatifar, Zahra; Qavâm, Abolqâsem; Yâheqi, Mohammad-Ja'far. (2023). Pathological study articles on Ferdowsi and Šâhnâme from 1380 to 1385. *The Journal of Epic Literature*. Vol. 19, No. 1 (35): 143–172. [In Persian]
- Šakibi Momtâz, Nasrin. (2007). Siyavaš in Persian Literature. *Mytho-Mystic Literature*. No. 6: 103–124. [In Persian]
- Šarifi, Fâteme. (2024). The trend of Šâhnâme studies in Armaghan journal. (Seyr-e Šâhnâme-pajouhi dar majalleye Armaghân). MA Thesis. Supervisor: Nafise Ra'isi. Yazd: Dânešgâh-e Yazd. [In Persian]

- Seyyedi-Yazdi, Zahra. (2008). Descriptive & critical bibliography of articles and essays on the Šâhnâme and Ferdowsi based on the articles of Iraj Afšar up to the end of fifth volume (1991). PhD Dissertation. Supervisor: Abolqâsem Qavâm. Mašhad: Dânešgâh-e Ferdowsi. [In Persian]
- Taslimi, 'Ali. (2010). Individuation process in Šâhnâme. *Adab-Pažouhi*. No. 14: 29-48. [In Persian]
- Xâfi, Marziye et al. (2012). Pathological study of the articles on Ferdowsi and the Šâhnâme written in 1370s Š/ (1991/2000). *New Literary Studies*. No. 177: 1-24. [In Persian]
- Xâfi, Marziye. (2012). Descriptive & critical bibliography of essays on Ferdowsi and Šahname from 1992 to 2001. PhD Dissertation. Supervisor: Mohammad-Ja'far Yâheqi. Mašhad: Dânešgâh-e Ferdowsi. [In Persian]
- Xatibi, Abolfazl. (2010). Editorial: the millennium of the versification of Šahname. (Sarmaqâle: Hezâreye nazm-e Šâhnâme). *Nâme-ye Farhangestân*. Year 11, No. 3 (43): 2-9. [In Persian]
- Yâhaqi, Mohammad-Ja'far. (2022). A few words at the beginning (Introduction). (Do kalame ham dar Âqâz) In: *Descriptive-analytical index of articles related to Ferdowsi and Šahname from 1915 to 2001*. Compilers: Zahra Seyyedi-Yazdi & Marziye Xâfi. Supervised by Mohammad-Ja'far Yâhaqi. Mašhad: Mašhad University publications. [In Persian]
- Zâvie, Sa'id; Dâdâši, Iraj; Mâfi-Tabâr, Âmene. (2010). Thematic analysis of select painting depicting 'Siyavaš's trial by fire' in Ferdowsi's Šahname (Tahlil-e mazmuniye čand nemune az 'negâre-hâye gozar-e Siyâvoš bar âtaš' dar Šâhnâmeye Ferdowsi). *Mytho-Mystic Literature*. Year. 6, No. 21: 93-122. [In Persian]